

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۱۵ جون ۲۰۱۳

## پرسش و پیشنهاد

نباید چون طفیلی زیستن با خون هموعان

به این زالو خصالان هرچه بادا باد آتش زن

؟

با وجود مر یضی دوامدار ، تو صیهٔ داکتر و سفارش های پر از لطف و محبت بزرگوار موسوی که باید مدتی را استراحت نمایم و بعد خوب شدن و باز یافت صحت کامل دنبالهٔ نوشته‌ها را بگیرم اما متأسفانه نتوانستم خاموش نشسته و تماشاگر و فقط خواننده باشم. فلذا خواستم مختصری پیرامون آنچه دوستان در دفاع از خود و جنبش چپ نوشته‌اند چند سطر بنویسم ، و انگیزهٔ کامل و اصلی این نوشته خواندن نوشتار و شنیدن مصاحبهٔ واقعاً انسانی میرویس جان ، با مبارز نستوه و خانم مبارز و پیشتاز در مبارزهٔ ضد استعمار و استثمار دیپلوم انجنیر نسرین معروفی، انقلابی گرانمایه میرویس ودان محمودی در دفاع از شخصیت‌های انقلابی و رد اتهام بستن ها و فحاشی گروهی اجبر و فتنه انگیز و همچنان جواب، تحلیل و تفسیر های همه جانبه سازمان انقلابی افغانستان به رابطهٔ این موضوعات می باشد، همچنان نوشته‌های ابلهانهٔ فاشیست های مائوئیسم علیه مبارز و قهرمان گرانمایهٔ ما کبیر توخی و خانم محترم و مبارز واقعی ضد استعمار و ارتجاع شان خانم رحیمه توخی باعث شد تا چند سطر را به نگارش در آورم، از این که از مریضی شدید و جانفزا رنج می برم خوانندگان عزیز عدم ارتباط موضوعات و یا غلطی های املائی و انشائی بنده را نادیده گرفته با بزرگواری خود خرده نگیرند.

با خواندن آن نوشته‌های پر محتوا سعی نمودم تا با فشار به حافظه‌ام قیافه و یا هم عمل کرد های شخصی به نام داکتر (پولاد) یا غفور جان ثنا را در سایهٔ اکرم یاری که اکنون خود شان به مقام صدر خود را ارتقاء هم داده اند و به شکل چپ انقلابی انترنتی با چند تن از همجنسان شان مثل صادق و حسین خود را به «صدر یاری» شهید چسپانیده اند به یاد بیاورم، چیزی به خاطر نیامد و نفهمیدم آقای داکتر و همسلکان شان که خود را از حواریون «صدر اکرم یاری» می دانند و می خوانند در آن زمانها یعنی وقتی که «صدر» شان گویا رهبر انقلاب کشور بودند آیا در خدمت او بودند ؟ یا این که بعداً روی موضوعات خاص و دلایل ناگفتنی هوادار شده و چهل سال مبارزه،!! بلی مبارزه!! نموده اند؟ فکر می کنم این چهل سال شامل خدمات صادقانهٔ شان به کمیتهٔ امام در پیروی مطلق از خمینی هم باشد ؟؟ اگر داکتر صاحب لطف نموده و در این مورد قبل از تاخت و تاز بی اندازه و بی مسؤولیت به انقلابیون واقعی کشور روشنی اندازند خوشحال خواهیم شد چون در آن صورت می توانیم روی موضوعات مشخص تر صحبت نمایم.

داکتر غفور اکنون با رد و تهمت بستن به تمام رهبران، جانبختگان و وطنپرستان انقلابی کشور «اکرم یاری» را

رهبر انقلاب کشور می خوانند و ضمناً جناب شان و یا یکی از شرکاء در سایتی نوشته بودند که «یاری» تمام نوشته هایش را در صندوقی گذاشته و در جایی دفن نموده اند !!!؟؟ این نوشته نشان دهنده آنست که آقای داکتر ثنا با شهید اکرم یاری خیلی نزدیک بوده و هم شاید خدمتگذار شخصی شان بوده باشند چون آن شهید چند خدمتگار خاص هم داشتند.

به ارتباط این دو موضوع باید بنویسم که مبارز گرانقدر میرویس ودان محمودی طی نوشتار چند بخشی روشن ساختند که: (در آن زمان در کشور انقلابی نبود که اکرم یاری رهبر آن بوده باشد؟؟) و اگر هم بنا باشد که از مبارزان (شعلئی) فقط یکی را به نام رهبر انقلاب، (منظور من انقلابی است) یاد نمائیم و آنهم یاری باشد فکر می کنم اشتباه خواهد بود !!!؟؟ چون در آن زمان جانسپردگان و متعهدین باشرف و انقلابی وجود داشتند که در صدر لیست قرار داشته و فعالیت های تیوریک و عملی شان در راستای خدمت به خلق در پرتو اندیشه دموکراتیک نوین بیشتر چشم گیر و مشهود بود تا شهید اکرم یاری !! و مشخص نمودن فقط و فقط اکرم یاری بالاتر از دیگر شعلئی ها و انقلابیون جفای بزرگی در حق راد مردان انقلابی و بزرگمردان جنبش انقلابی کشور خواهد بود؟

مگر اینکه دلایل و انگیزه های پنهانی و به خصوص داشته باشد، حال اگر خلاف تمام واقعیت های اجتماعی و سیاسی که جریان شعله جاوید پیموده بگوئیم که خوب یکی بود، یکی نبود فقط اکرم یاری بود !! و بدون او دیگر هیچ انقلابی و شعلئی در کشور نبود اگر بود به پای او نمی رسید!! او بود و همه در او بود !! و او سه فرزند نا خلف زانید؟؟ یکی هم داکتر ثنا، حسین مشهور خابین و دیگری به نام صادق جاسوس؟؟ باید به یک نوشته، کتاب و یا رهنمودی مشخص که حد فاصل میان نظریات شان و دیگر انقلابیون بکشد به مردم ارائه داریم اما بدبختانه و متأسفانه در مورد نوشته ها و آثار این رهبر خجسته که همه آثار تیوریک و علمی خود را در یک صندوقی پنهان و دفن نموده است و هیچ کسی هم آن را ندیده و استفاده تیوریک از آن نکرده است و مدفنش هم معلوم نیست نمی توان استناد کرد!! جز اینکه برای مردم گفته شود که «صدر اکرم یاری» فقط برای صندوق می نوشت و همه نوشته هایش را در صندوق می گذاشت؟؟ و کسی حق نداشت آثار تیوریک و علمی «صدر» و «رهبر انقلاب» را قبل از صندوق گذاشتن به شمول رفقاء، دوستان، آشنایان و حتا نوکران و هواخواهانش بخوانند و یاتکثیر کنند؟؟

امیدوارم در این زمینه روشن ضمیران شعلئی و آن تعداد از شعلئی های که از زیر ساطور جلادان خلقی و پرچمی و همچنان شمشیر های اسلامی حیوانات مقدس نجات پیدا و فعلاً هم زنده استند یک نفر فقط یک نفر از آنها لطفاً جمله ای، صفحه ای، کتابی علمی و تیوریک که نشان دهنده «صدر بودن» شان باشد اگر در اختیار دارند آن را نشر نمایند تا همه بدانند که این رهبر انقلاب آثاری چنین و چنان از خود به جا گذاشته است؟؟ ورنه «صدر» گفتن، رهبر انقلاب خطاب نمودن دودی را دوا نمی کند، مگر این که از نام اوشان استفاده جوئی مد نظر باشد؟؟ (به یقین کامل می توان گفت که منظور من از این نوشته توهین به اکرم یاری نیست !!؟) این کرگسان و .... مالان است که من را مجبور به نوشتن این سطور نموده اند و اگر این زنا زادگان مجبورم سازند شاید روزی رسد که آنچه ناگفته ها است بر قلم بیاورم !!؟

تنها اثری که از ایشان می شناسم (یاد واره های مختصر قلمی) که حاوی چند مقاله و یادداشت های کوتاه می باشد که مسلماً نمی توان به اتکاء به آن اورا خط گذار، پیشوا و صدر دانست؟؟

به یقین کامل می توان گفت که هیچ انقلابی در هر مرحله ای از موقف سازمانی و حزبی که باشد نمی نویسد تا در صندوق گذاشته و آن را دفن نماید؟؟ اگر چنین کاری شده باشد واقعاً در تاریخ جنبش انقلابی چپ چی که در تاریخ بشریت کار منحصر به فرد بوده و سابقه تاریخی ندارد، و یا هم این که بوده و بنده از آن بی اطلاع بوده ام (که در آن صورت از خوانندگان معذرت می خواهم) اگر کسی در این زمینه معلوماتی داشته باشد با نشر آن ممنونم سازند!!

تا آنجا که به یاد دارم شریف ترین، جانباز ترین، توده ئی ترین و با وجدان ترین انسان های سیاسی و انقلابی در

چوکات هدایات اندیشه های دموکراتیک نوین در کشور ماتم زده و فقیر ما به نام شعله‌ئی ها مثل ستارگان پر فروغ و رهنما در افق تاریک وطن تجلی می نمودند ، و نور می افشاندند حتا آدم‌هائی که نسبتاً ترسو و محافظه کار هم بودند به اساس وجدان پاک شان و آرزو هائی که در قبال انسانیت و وطن خواهی داشتند اکثراً در محافل شخصی و خصوصی خود را به نحوی از انحاء به شعله‌ئی ها نسبت می دادند، و با این نسبت دادن ها احساس غرور می نمودند ، و خود را شخصیت والا به حساب می آوردند و لذت می بردند.

اما بدبختانه امروز هر چه مکار روزگار است ، هر چه خدمت گذار امیر یالیسم و نوکران صادق اسلامیسم مخصوصاً ارادت مندان جمهوری به اصطلاح اسلامی ایران، جاسوسان و فتنه انگیزان ، انجو بازان ، نوکران استعمار و نمایندگان آی. اس. آی همه و همه سعی دارند خود را شعله‌ئی جلوه دهند !! تا بینی خمیری برای خود داشته و از افتخارات ملی و انسانی شعله‌ئی ها بهره ور گردند.

آقای دکتور «صدر ثنا !!» من تقریباً چند نوشته شما و حواریون تان را مثل حسین و صادق و یک نفر هوادار در اهانت به بزرگمردان انقلابی کشور و مخصوصاً مبارز دلیر و شجاع آقای موسوی و فحش های بازاری تان را در باره جوان انقلابی میرویس ودان محمودی و این نوشته اخیر تان را در باره بزرگمرد تاریخ کبیر توخی خوانده ام این که جناب شما آن‌ها را جاسوس ، بزدل و ... خطاب نموده‌اید (نا گفته نباید گذاشت که من هم از این کتافات پرانی های شما در امان نبوده‌ام ، می دانم هر که مخالف نظر تان باشد باید فحش داده شود) واقعاً نوشته‌های شما خنده آور و مضحک بود مخصوصاً از آنچه در باره موسوی بزرگوار و میرویس محمودی نوشته اید نشاندهنده آنست که جناب شما خود را شعله‌ئی جلوه داده و کتافت کاری های ۴ دهه زندگی نا میمون خود را در زیر اسم بزرگ و با مسمای شعله ئی پنهان می سازید ؟ چرا می ترسیدید که هویت و نام اصلی شما فاش شود ؟؟

شما که سالها در انجو بودید و قبل از آن هم در خدمت رژیم و سیستم خونخوار خمینی عمری را سپری نموده‌اید خطری شما را تهدید نمی کند ، چون هر خطری در شرایط امروز از طرف اسلامیسست های بنیاد گرا و یا هم امپریالیسم جهانی متوجه فرزندان صدیق نه تنها کشور ما بلکه تمام ممالک عقب نگهداشته شده می باشد ، و شما که سابقه خدمت به هر دوی آنها را دارید چرا از افشای هویت‌تان می ترسیدید؟؟ آیا خطری شما را تهدید می کند و یا می کرد ؟؟ فکر نکنم!! و از این همه داد و فریاد شما نتیجه چنان می‌شود که با افشای هویت اصلی تان آنهمه صداقت و خدمت گذاری تان به در بار حکومت اسلامی ایران، آی. اس. آی. و سپاه پاسداران افشاء می‌شود ، بدین ملحوظ شما پوست پشک بر چهره انداخته و مثل فاحشه های سیاسی بر هر روی سیلی می‌زنید ؟

من میرویس ودان محمودی را وقتی که جناب شان نوجوان بود دیده بودم و از ایشان و زنده یاد موسی مامای بزرگوار شان شناخت دارم ، احساسات پاک ، دانش و شرافت انقلابی ، غرور انسانی ، وقار اجتماعی و اتکای توده ئی میروس محمودی برای هر فرد شعله‌ای قابل افتخار بوده و است !! و تعجب من این است که جناب شان و گرانمایگانی مثل مبارز و انقلابی زندان دیده ما آقای کبیر توحی و خانم محترمه شان زن مبارز ، زجر کشیده در سایت انترنتی که شما مالک و گرداننده آن بودید مدتها نوشتند ؟؟ و شما اگر می فهمیدید که آنها جاسوس ... وطن فروش، خاین ... است چرا همان وقت دست آنها را نگرفته و از سایت تان بیرون نینداختید ؟؟ و چیزی علیه آنها ننوشتید ؟؟ معلوم می‌شود که میرویس محمودی و بزرگ مردان و بزرگ زنانی مانند استوره های مبارزه مبارزه کبیر توخی و رحیمه توخی نه جاسوس بوده اند و نه هم انسان های از قماش شما، بلکه همه انسانهای والائی بوده و هستند ، البته تا آن زمانی که به افشاء گری ماهیت پلید های جا گرفته در جنبش چپ نپرداخته بودند به نظر شما خوب بودند ، اما این که در مقابل حملات غیر شریفانه شما بر رهبران انقلابی و پیشتازان جنبش مقاومت و مبارزه ایستاده (و این وظیفه هر فرد با شعور و انسان مبارز این میهن می باشد) و شرافتمندانه استدلال نمودند یکباره به نظر شما جاسوس شدند و... از آب در

آمدند!!

آقای داکتر!

به سوگند سوگند می خورم و وجدانم را شاهد می گیرم که در این افترای تان کاملاً عجله نموده‌اید ، و یقیناً و با اطمینان کامل می نویسم که میرویس ودان محمودی از جمله انقلابی های است که شما تا حال ندیده اید و اگر هم دیده باشید خیلی کم بوده است و من تعجب می کنم که شما در ۴۰ سال مبارزه خود (به گفته خود تان) اشخاصی مثل او را نشناخته اید ؟ و اگر شناخت شما همین باشد که تا حال نوشته اید، پس بدا به حال شما !! و همچنان نمی دانم چطور خجالت نکشیدید که راد مرد بزرگ استاد موسوی را به باد فحش گر فتید ؟؟ فقط همین کافی خواهد بود که به یاد بیاورید آن زمانی را که شما و امثال تان در غار ها و سوراخها از ترس نیرو های شوروی لمیده و خزیده بودید موسوی بزرگ ، مبارز دلیر خالفداد پغمانی و هزاران مثل شان اسلحه به دست گرفته و در کوهها و دشتها، شهر ها و دهات و همه جا مقابل تجاوز و زور گوئی های استعماری روس از وطن و نوامیس ملی و شرافت افغانی و همچنان از آدمهای مثل شما که هرزه هائی بیش نبوده‌اید تا کام مرگ به پیش رفتند و انسانهای شریف و مبارز انقلابی مثل محترم کبیر توخی زندانها دیدند ، خود را به کشتن دادند تا این که مبارزان اطو کشیده ای مثل شما به اروپا مخصوصاً هالند ، سر زمین زندگی پرچی ها برسند ؟؟ (داکتر جان نشود که تو هم پرچی تشریف داشته باشی ؟؟) و لازم نیست که شما بعد از همه خم و چم رفتن های سیاسی و کتمان هویت اصلی خود غرض اندوختن مسایل مادی به آن‌ها حمله نمائید ، پر خاش کرده و تهمت بندید !! ومی توان به جرأت گفت : اگر همین سامائی ها و شعلهئی ها در چوکات بندی چندین سازمان انقلابی نمی بودند شما امروز صاحب جاه و جلال بیشتر در ارو پا نمی بودید.

شما با پیشینه چنان ننگ آلود حق دارید هر چی نا روا بگوئید !! چون آدمهای مثل شما همیشه در لجن زندگی نموده و به هر دروازه پوزه مالیده اند تا باشد که از زور دیگران و زیر سایه فاشیست ها ، اسلامیت ها ویا هم الاغ ها آرام زیسته و زندگی مرفه داشته و با استفاده از دموکراسی و آزادی بیان غرب خود را انقلابی و مبارز جلوه دهند!! خود را انقلابی نه تنها انقلابی بلکه شعلهئی انقلابی با سابقه چهل سال مبارزه جلوه دهید، شما برای تثبیت این انقلابی گری پوست هر سگ و پشکی را در صورت گذاشته و به هر طرفی حمله نمودید !! شما داکتر ( البته خودتان می گوئید داکتر استید )! بگوئید به نظر شما کدام شعله ئی، کدام انقلابی و کدام آدم با وجدان را محترم می دارید ؟؟ یقین دارم برای پوشانیدن هویت اصلی ار تجاعی خود می چسبید به ... یاری؟؟ اگر خلاف است بنویسید ،؟؟

بر ما و هر انقلابی شعله ئی امروز لازم می افتد تا از جان گذشتگان و قربانیان این راه ، مبارزان انقلابی ملی ما که در چوکات بندی های مختلف سازمانی «م. ل. ا.» را معیار سنجش و عمل قرار دادند ، اسلحه به دست گرفتند و تا پای جان برای رهائی این توده های مظلوم به پیش رفتند و آن از خود گذشتگانی که سالها در کنج های سیاه و تاریک زندان انتظار تیرباران شدن خود را می کشیدند از آن‌ها باید قدر دانی نمود نه این که فحش داده شوند ؟؟ این مبارزان راه آزادی است ، آزادی انسان از قید ظلم و ستم و بردگی !! می باشند، این‌ها پایگاه های تودهنی و مردمی دارند، این که شما خبر ندارید و باید هم نداشته باشید موضوع جداگانه بوده است آن‌ها مبارزان اماتور لفظی و انترنتی نبوده و نیستند، روی معیار های اصولی انسانی نمی توان شخصیت‌های مبارزاتی آن‌ها را با شما قابل مقایسه دانست ، و اگر شما و کسان دیگری خود را با آن‌ها در مقایسه قرار می دهید ؟ این نهایت بی عدالتی و عدم شناخت تان از تاریخ سیاسی و مبارزاتی خواهد بود !!

با نتیجه گیری از اسناد خوانده شده و بر داشت هائی که از آن‌ها و شما چند نفر محدود دارم می خواهم از مبارز نستوه و استاد گرامی موسوی بزرگوار ، مبارز پیشرو و .. خالق داد پغمانی ، وطنپرست و مبارز زندان دیده ما آقای کبیر توخی و قهرمان نترس و پایدار جنبش توده ئی میرویس ودان محمودی، اگر به گستاخی بنده تلقی نگردد پرسشی را

مطرح بدارم :

آیا شما گرانمایگان و مبارزین سر به کف امتحان داده، میل دارید و می خواهید در یک فضای دمو کراتیک و آزاد در یک تجمع رو در رو با یک یا چند نفر متحجر و تهمت گر و فحاش که با این اعمال و نوشته‌های بی محتوای شان خواسته اند خود را در جامعه در قالب چپ مطرح و آشکار سازند مثل داکتر ثنا - حسین و شخصی هم به نام صادق و ممکن چند آدم بی مسؤ لیت دیگر می توانید آن همه فحش، اتهام زنی ، تهمت به خود و دیگران و گناهان صغیره و کبیره آنها را در مجموع با بزرگواری خود نادیده گرفته و با اخلاق انقلابی گذشت نموده ، غرض ایجاد فضای صمیمیت، همکاری (در صورت امکان) و در مجموع برای تثبیت به حق بودن آنچه تاریخ شعله جاوید و دیگر سازمانهای انقلابی روشن ساخته است، در یک گفت و گوی علنی و یا مخفی غرض حل مسایل مطروحه و تثبیت این که چه کسی به حق است و کی جاسوس؟ اشتراک نمائید؟؟ تا مردم شریف و زجر دیده ما مخصوصاً نسل جوان به کجراه نرفته و در جهت یابی راه اصولی مبارزه بتوانند با قاطعیت تصمیم گیرند؟؟

و همچنین به این مبارزین نام نهاد و پو شالی (داکتر ثنا - صادق - حسین) هم خاطر نشان می سازم که بنویسند حاضر اند و میل دارند تا این چنین افتخاری نصیب شان شود یانه؟؟؟ در صورت توافق با بر پا داشتن همچو جلسه ای، باید دست به کار شد و زمینه همچو جلسه ای را فراهم ساخت و در صورتی که لازم دانند بنده هم فقط به خاطر دفاع از شرافت مبارزین جانبخته **شعله‌نی** و حقانیت شان و همچنان غرض دفاع از نوشته‌های خودم مخصوصاً نوشته زیر عنوان **الاغهای تیور یسن** در آن جلسه حاضر خواهم شد !! منتظر خواندن نظریات شما پیرامون این پیشنهاد !!؟؟

امیدوارم بزرگمردان انقلابی ما نوشته فوق را به گستاخی و بی ادبی من نسبت ندهند  
آزاد ل. مهماندار شما خواهد بود

#### یادداشت:

با مطالعه نوشته حین ویراستاری، متوجه اهمیت سؤال گردیده، بر مبنای ارتباط و شناختی که بین ما و همکاران قلمی پورتال وجود دارد مبتکرانه با آقای «موسوی» در تماس شده، سؤال آقای «آزاد ل.» را از ایشان استفسار نمودیم، خوشبختانه ایشان بدون کمترین درنگی ابراز داشتند:

«هر چند ماهیت حسین، صادق و اینک پولاد برای ما شناخته شده تر از آن است که بتوان از چنان جلسه ای امید حل اختلافات را در ذهن پروراند، چه این تضاد، تضاد بین افراد و سلا یق مختلف نبوده بلکه بازتاب تضاد بین مردم افغانستان و پیشاهنگان آن، علیه دشمنان خلق افغانستان در وجود چند جاسوس انجو باز می باشد که راه حل خاص خود را دارد و اما در صورتی که چنان افرادی خواسته باشند، به آغوش مردم و نیروهای انقلابی کشور مراجعه نمایند می باید به مثابه نوکران و جواسیس بیگانه ها - که نمی توانند با فرزندان صادق این میهن، دشمنی نوزند- در گام اول، روابط غیر شریفانه و استخباراتی شان را با انجونیزم و در نتیجه امپریالیزم قطع نموده و در پیشگاه مردم از جفائی که در حق مردم و پیشکسوتان آنها روا داشته اند، با افشای تمام زد و بند های خاینانه استخباراتی و انجونی از خود انتقاد نمایند؛ با انهم صرف به منظور روشن شدن قضایا و کمک به نسل های آینده در شناخت از جواسیس انجونیزم، حاضر م در هر جائی که، همکار گرامی پورتال آقای «آزاد ل.» پیشنهاد نمایند، به صورت کاملاً علنی و آزاد و رویاروی با آنها در دفاع از جنبش چپ و شخصیت های آن به بحث بنشینیم.»

ویراستاران پورتال AA-AA